

# اسلام شناسی

خانه

تماس با ما

## آمار وبلاگ

کل بازدید : 8515  
 بازدید امروز : 4  
 بازدید دیروز : 2  
 بازدید این ماه : 5  
 بازدید ماه قبل : 38  
 تعداد نویسندگان : 2  
 تعداد کل پست ها : 11  
 آخرین بازدید : سه شنبه 2 بهمن 1397 (15:54)  
 آخرین بروز رسانی : یکشنبه 5 آذر 1391

## دلایل برتری دین اسلام بر سایر ادیان چیست؟

مهدی احمد خواه

دوشنبه 15 آبان 1391

در این قسمت با برتری های دین اسلام نسبت به سایر ادیان آشنا خواهیم شد.



## نویسندگان

مدیریت وبلاگ : علی باباییگ

نویسندگان : مهدی احمد خواه

## مطالب اخیر

میانی اعتقادی در دین اسلام  
 توحید  
 نبوت  
 معاد  
 عدل  
 امامت

مذہب‌های اسلام

حدیثی زیبا از حضرت علی (ع)

دلایل برتری دین اسلام بر سایر ادیان چیست؟

زیارت عاشورا با صدای آقای فرهنگند

آهنگ خدای احساس با صدای آقای محمد علی‌زاده

## نظرسنجی

نظر شما در مورد وبلاگ چطور است؟

- عالی
- خوب
- متوسط
- بد
- بسیار بد

ثبت

## برچسبها

اصول دین اسلام  
 اصول اسلام  
 اصول دین ما اسلام  
 اسلام  
 اصول دین ما

## امکانات جانبی



جستجو

در این وبلاگ

در کل اینترنت

عالم باشی یا جاهل ، خاموشی  
 یا بیگانه‌گی تا برینبار به فشار آید  
 - زیرا خاموشی نزد دانایان  
 زینت و در پیش خاندان  
 پویشی است

امام جعفر صادق (ع)

## اوقات شرعی

به افاق تهران

۱:۱۹ مانده تا غروب خورشید

۰۵:۴۳ اذان صبح  
 ۰۷:۱۱ طلوع خورشید  
 ۱۲:۱۶ اذان ظهر  
 ۱۷:۱۹ غروب خورشید  
 ۱۷:۴۰ اذان مغرب  
 ۲۳:۳۲ نیمه شب

اوقات شرعی برای کل نقاط کشور

### 1- بنیاد الهی

اصل الهی بودن يك دین از راه های زیر قابل بررسی است:

#### 1-1- آموزه های دین

با مراجعه به آموزه هایی که هر دینی برای خود دارد - چه این آموزه ها در قالب کتاب مقدس باشد یا گفتارهای پیامبر آن دین - می توان پی برد که آیا يك دین، واقعاً دین حق الهی است یا خیر؟ در اینجا معقول و منطقی بودن، داشتن هماهنگی و انسجام، پاسخ گویی به نیازهای ابدی و اساسی انسان، وجود نظام اعتقادی، ارزشی و عبادی، هدفمندی و مطابقت با سیر و سرشت جوهری انسان، بهترین شاخص هایی است که می تواند ما را به حق بودن يك دین رهنمون شود.

#### 1-2- تأیید دین قبلی یا بعدی

از آنجا که ادیان آسمانی، با یکدیگر پیوند عمیقی دارند و هر دینی مؤید و تکمیل کننده دین قبلی است، می توان با مراجعه به نصوص معتبر رسیده از پیامبری که حق بودن دینش برای ما به اثبات رسیده است، کشف کرد که آیا ادیان دیگر، به تأیید این دین رسیده اند یا نه. این روش از جایگاه ویژه ای برخوردار است که کمتر بدان توجه شده است. از طریق این روش عدم حقیانیت همه ادیان ادعایی پس از پیامبر خاتم نیز اثبات می شود.

#### 1-3- اعجاز

معجزه پیامبر یکی از دلایل اثبات صدق نبی و بنیاد الهی دین اوست. معجزه پیامبر باید به طور قطعی اثبات شود. بنابراین کسی که در حقیانیت دینی تحقیق می کند باید خود آن معجزه را مشاهده کند و یا از طریق نقلی که صدق آن قطعی و غیرقابل تردید است با آن آشنا شود. مورد نخست تنها در مورد حاضرین در محضر پیامبر امکان پذیر است و غایبان از آن بی بهره اند. جز در مورد قرآن که معجزه زنده و ابدی است و همگان می توانند با این سند رسالت ارتباط مستقیم برقرار کنند و اعجاز آن را تجربه کنند.

#### 1-4- روش تاریخی

با رجوع به گزارش های مستند، معتبر و کافی تاریخی، می توان فهمید که آیا دین خاصی دارای ویژگی ها و خصایصی که بیان شد هست یا خیر؟ تاریخ در این باره، یکی از منابع شناخت ما در ادیان مطابق با واقع است. این چهار روش در عین مجزاً بودن از یکدیگر، در پاره ای موارد می توانند مکمل یکدیگر در اثبات حقیانیت يك دین باشند.

#### 1-5- ادعای خود دین

ادعای خود دین نسبت به بنیاد الهی به سه صورت قابل تصور است:

- یا دینی ادعای الهی و وحیانی بودن دارد.

- یا دینی ادعا دارد که از سوی خدای هستی نازل نشده.

- یا دینی نسبت به این مسئله ساکت است.

در مورد اول باید صدق مدعا را از طریق راه های پیشین آزمود. اما اگر دینی ادعای الهی بودن نداشته یا عکس آن را داشته باشد، مانند ادیان ابتدایی و قدیم همچون آنیسم، فتیسم، میترائیسم، هندوئیسم، برهمنیسم، جنیسم، و ادیان ترکیبی مانند سیکسم و یا ادیان فلسفی چون بودیسم و کنفوسیونیسیم و بسیاری از ادیان قدیم آمیخته به شرک مثل تثلیث بابلی، تثلیث رومی، تثلیث هندی و... کاملاً از مجرای بحث خارج می شوند و حوزه تحقیقات، منحصر به ادیان مدعی الهی بودن چون اسلام، مسیحیت، یهودیت و زرتشتی گری می شود.

## 2. تحریف ناشدگی

صرف بنیاد الهی در اصل نخستین یک دین برای اثبات حقانیت فعلی آن کافی نیست؛ بلکه باید وثاقت کتاب آسمانی آن از جهت مضمون بودن از تحریف و دستکاری های بشری نیز اثبات شود.

برای اثبات وثاقت کتاب آسمانی، یعنی استناد قطعی آن به پیامبر و تحریف نشدن آن، می توان از روش های 1. 1 و 1. 2 و 1. 4 استفاده نمود. در خصوص قرآن به لحاظ اعجاز بودنش روش 1- 3 نیز کاربرد دارد.

## 3. نسخ ناشدگی

نسخ شدن یا نشدن یک دین از دو طریق به دست می آید:

### 3. 1 - عدم پیدایش شریعت حقه پسین

براساس این ضابطه تا زمانی که شریعت الهی جدیدی نازل نشود شریعت قبلی باقی است و با پیدایش شریعت جدید منسوخ خواهد شد. این روش نسخ نشدن را به طور موقت ثابت می کند و با آمدن شریعت جدید برای همیشه شریعت پیشین منسوخ شناخته می شود. از این رو با آمدن شریعت اسلامی همه شرایع پیشین برای همیشه منسوخ خواهند بود.

### 3. 2 - ادعای خاتمیت

دینی که اصل الهی بودن و تحریف ناشدگی کتاب آسمانی آن اثبات شده باشد اگر ادعای خاتمیت کند، به لحاظ صدق قطعی این ادعا نسخ ناپذیری آن برای همیشه ثابت می شود و ملاکی برای کشف کذب و عدم حقانیت همه ادیان ادعایی بعدی خواهد شد. بنابراین خاتمیت اسلام به تنهایی دلیل قاطع بر کذب و بطلان همه ادیان بعد از آن همچون آیین سمیک و بهائیت می باشد. بر این اساس حقانیت برای همیشه اختصاص به دین مبین اسلام دارد.

### 4. خردپذیری

بررسی تطبیقی ادیان براساس این مسئله، تحقیقی گسترده و فراخ دامن می طلبد. در عین حال به طور فشرده و کوتاه، اشاراتی در مقایسه چند دین بزرگ خواهیم داشت:

الف) مهم ترین رکن اساسی یک دین، «خداشناسی» آن است. در این راستا آموزه «توحید» در اسلام، خردپذیرترین آموزه است و ادله متقن بسیاری بر آن گواهی می دهد. اثبات توحید به خودی خود، ابطال کننده آموزه «تثلیث» و «ثنویت» است. بنابراین همین مسئله، به تنهایی برای اثبات عدم حقانیت ادیان غیر توحیدی کافی است.

ب) بسیاری از ادیان، به رغم دارا بودن پیشینه الهی، در طول تاریخ دچار تحریفات چشمگیری شده و اصالت خود را از دست داده اند. همین مسئله باعث شده که آموزه های خردستیز بسیاری در این ادیان رخ نماید. اکنون از باب نمونه تنها به چند نمونه از تحریفات عهدین اشاره می شود. گفتنی است عهد عتیق کتاب مقدس یهودیان و مسیحیان، هر دو است، و عهد جدید کتاب مقدس مسیحیان می باشد.

### تحریفات عهدین

#### 1. تناقضات:

ارنست رنان درباره کتاب مقدس می نویسد: «هیچ تناقضی نباید در آن کتاب وجود داشته باشد. اکنون با توجه به مطالعه دقیقی که در کتاب مقدس انجام داده ام، در عین حال که گنجینه هایی تاریخی و زیباشناختی بر من نمایان شد، این نکته نیز برای من اثبات شد که این کتاب همچون دیگر کتب قدیمی از تناقضات، اشتباهات و خطاها مستثنا نیست. در این کتاب داستان های دروغین، افسانه ها و آثاری که کاملاً نگارش یافته انسان است، وجود دارد».

#### 2. اتهامات ناروا به پیامبران:

علاوه بر رسوخ تحریفات بنیادی و اعتقادی در کتاب مقدس، پاره ای از اتهامات ناروا و غیراخلاقی به برخی از پیامبران نسبت داده شده است که قلم از بیان آن شرم دارد!!

در عهد قدیم درباره حضرت لوط(ع) آمده است که دخترانش وی را شراب نوشاند، مست کردند و با او همبستر شدند. همچنین داستان شرم آوری درباره حضرت داوود(ع) در عهد قدیم (کتاب دوم سموئیل) آمده است. براساس این داستان، وی از پشت بام زن زیبایی «اوریا» را دید که در حال شست و شوی خود بود. حضرت داوود(ع) به آن زن علاقه مند شد و به گونه ای، اسباب فرستادن اوریا به جنگ و کشته شدن وی را فراهم ساخت و پس از گذشت مدت متمادی فقدان اوریا، همسر او را به خانه خود برد.

#### 3. وجود افسانه ها:

وجود افسانه های بی پایه در کتاب مقدس، یکی دیگر از جنبه های تحریف آن است؛ از جمله می توان به کشتی گرفتن حضرت یعقوب با خدا و غلبه او بر خدا، اشاره کرد!!

«اورینگ» برجسته ترین عضو مکتب تفسیری اسکندریه در رابطه با وجود افسانه های غیرعقلانی در عهدین می نویسد: «حتی اناجیل، مملو از چنین عباراتی است؛ مانند این جمله که «وقتی که شیطان عیسی را بالای کوهی بلند می برد تا از آنجا قلمرو کل جهان و عظمت آن را به او نشان دهد» ... خواننده دقیق صدها عبارت مشابه دیگر در اناجیل می یابد؛ مطالبی که او را متقاعد خواهند ساخت که حوادثی که اصلاً رخ نداده اند داخل گزارش حوادثی شده اند که به راستی رخ داده اند.

#### 4. انسان شناسی بدبینانه:

مسیحیان معتقدند: آدم در بهشت به گناه آلوده و این گناه به حساب همه فرزندان او نوشته شده است؛ یعنی، انسان ذاتاً با به دوش کشیدن بار گناه، به دنیا می آید! حتی اگر پس از آمدن به دنیا هیچ گناهی مرتکب نشود از طرف دیگر هرگونه تلاش و عمل او در رهایی از این خطا، سودی نخواهد بخشید و تصلیب و تنها به دار کشیده شدن حضرت عیسی، کفار گناه ذاتی و جبلی انسان است! پس انسان نه با اختیار خویش گنهگار و پلید گشته و نه با گزینش اختیاری خود پاک می شود.

#### 5. تقویت ظلم:

یکی دیگر از آموزه های نامعقول کتاب مقدس، توجیه ظلم و ستم و دعوت به سکوت در برابر حاکمان ظالم،



به بهانه این است که آنان، حاکم و سایه خدا در زمینند!!

6. علم و معرفت ستیزی:

ستیز با دانش و آگاهی بشر هم در بن مایه عقاید مسیحی نهفته است و هم در سیره ارباب کلیسا در نگرش مسیحی آنچه آدم را از بهشت بیرون راند تناول درخت ممنوعه دانایی بود (شرح بیشتر این مسئله در مطالب بعدی خواهد آمد.) وجود آموزه های غیرعقلانی، در کنار طرح مسئله تثلیث و تجسیم و وجود تناقض های متعدد در متن کتاب مقدس، دلیل روشنی بر عدم حقانیت یهودیت و مسیحیت امروزی در برابر اسلام است.

7. تحقیقات علمی و زبان شناختی، بر عدم وثاقت متون مقدس گواهی داده است:

توماس میشل - استاد الهیات مسیحی می نویسد: «اکثر متفکران کاتولیک، ارتدوکس و پروتستان عصر حاضر عصمت لفظی کتاب مقدس را مردود می دانند.»

امتیازات اسلام بر دیگر ادیان:

1. خریدپذیری و خریدپوری

از جمله امتیازات مهم اسلام، عقلانیت، خریدپذیری و بالاتر از آن خریدپوری آموزه های آن است. این مسئله در امور مختلفی نمودار است؛ از جمله:

در ابتدای همین مقاله حداقل حروف و اعداد با خط تیره آمده و باید یکسان شود.

1.1. نظام فکری و عقیدتی اسلام: (مانند خداشناسی، هستی شناسی، انسان شناسی، راهنماشناسی و فرجام شناسی):

1.2. نظام اخلاقی اسلام؛

1.3. نظام رفتاری و قوانین و دستورات عملی؛

1.4. دعوت به تحقیق و پرسشگری در انتخاب دین.

خریدپذیری آموزه های اسلام، از چنان وضوح و روشنی برخوردار است که قرآن مجید، آدمیان را به بررسی هوشمندانه و انتخاب خردمندانه دین دعوت کرده و هر گونه تحمیل و اجبار و پذیرش کورکورانه دین را نهی می کند: «فَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ؛ پس بشارت ده بندگانم را، آنان که به سخنان [مختلف] گوش فرا داده و برترین را بر می گزینند» و «لا إكراهَ في الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ؛ هیچ گونه تحمیل و اجبار در امر دین روا نیست؛ [زیرا] به خوبی راه هدایت از ضلالت روشن شد». اما مسیحیت کنونی به علت قرار گرفتن در تنگناهای شدید معرفتی و ناتوانی در حل رابطه تثلیث و توحید و تجسد و خداانگاری مسیح، به جداسازی و گسست ایمان از معرفت فتوا داده و دین و ایمان را با عقل و خرد بیگانه ساخته است!

پروفیسور لگنهاوزن می گوید: «چیزی که در اسلام بیش از همه، برای من جاذبه داشت، این بود که چقدر این دین از پرسش های انسان استقبال می کند و همواره دعوت به تحقیقات بیشتر در تعالیم دین می کند». همو می گوید: «وقتی از کشیش ها می پرسیدم که من نمی فهمم چه طور خدا یکی است و سه شخص است؟ در اکثر موارد جواب می گفتند که ما نمی توانیم به درک این آموزه برسیم. تنها خدا می داند که حقیقت این امر چیست. این رمزی است که فقط خدا آن را می داند و عقل در اینجا به بن بست می رسد! از جمله چیزهایی که برای بنده خیلی جالب بود، این بود که در اسلام نکته اند اصول دین را چشم و گوش بسته بپذیر؛ بلکه دعوت کرده اند که بپرس. مخصوصاً این خصلت در میان شیعیان خیلی بیشتر است» خانم مارگریت مارکوس (مریم جمیله) نیز در این زمینه می نویسد: «پس از آنکه عقاید همه کیش های بزرگ را مورد بررسی قرار دادم، به این نتیجه رسیدم که به طور کلی مذهب های بزرگ یکی بودند؛ ولی به مرور زمان فاسد شده اند. بت پرستی، فکر تناسخ و اصول طبقه بندی در کیش هندویی سرایت کرد. صلح جویی مطلق و انزوا از مشخصات کیش بودایی شد. پرستش آبا و اجداد جزء عقاید کنفوسیوسی، عقیده اصالت گناه و تثلیث و در نتیجه آن مفهوم خدایی مسیح و شفاعت به استناد مرگ ادعایی عیسی بر روی دار در مسیحیت، انحصارطلبی ملت برگزیده یهود و... نتیجه این انحرافات است. هیچ یک از این اندیشه هایی که مرا منزعج ساخته بود، در اسلام پیدا نمی شد؛ بلکه به صورت روزافزونی احساس می کردم که تنها اسلام آن مذهب اصیلی است که طهارت خودش را حفظ کرده است. سایر مذهب ها فقط و فقط بعضی اجزای آن، مقرون با حقیقت است؛ ولی فقط اسلام است که تمام حقیقت را حفظ کرده است.»

2. اسلام و علم

به رغم آنچه در تعارض و ناسازگاری مسیحیت با علم و معرفت بیان شد، دین اسلام با دانش و معرفت، پیوندی نزدیک و ناگسستنی دارد. وفاق و آشتی دین و دانش در اسلام در سه حوزه چشمگیر و در خور توجه است:

یک) تشویق به فراگیری دانش

در این عرصه اسلام گوی سبقت از هر مکتب و آئینی را ربوده است و از این هم فراتر رفته و کسب دانش های لازم در جهت تأمین نیازمندی های دنیوی و اخروی را ضروری دانسته است؛ چنان که پیامبر اکرم (ص) فرمود: «ان طلب العلم فريضة على كل مسلم؛ همانا علم آموزی بر هر مسلمانی واجب است.» و نیز آمده است: عالمی که از دانش او بهره برند از هفتاد هزار عابد برتر است. در کتاب های روایی و نصوص دینی ابواب مفصلی در این زمینه وجود دارد.

دو) تقویت روحیه علمی:

اسلام روحیه پژوهشگری را ارج می نهد و در مسیر حقیقت یابی و معرفت اندوزی هیچ مانعی نمی نهد. قرآن مجید آوای تحقیق و جست و جوی آزاد و گزینش رهاورد معقول پژوهش را صلا داده و فرموده است: «بشارت ده بندگان را که به سخنان گوش فرا داده و برترین آنها را برمی گزینند.»

سه) دارا بودن مضامین علمی:

نصوص دینی اسلام آکنده از مضامین و مطالب علمی است. در این عرصه اسلام هم در بردارنده مبانی و پیش فرض های عام و متافیزیکی علوم است و هم دارنده بسیاری از گزاره های علمی، به گونه ای که یکی از وجوه اعجاز کتاب آسمانی اسلام اعجاز علمی آن شناخته شده تا آنجا که دانشمندان مسلمان و غیر مسلمان صدها کتاب در باب رهاوردهای علمی قرآن به نگارش درآورده اند.

از جهت سازگاری با علم و دانش بشری نیز اسلام کارنامه درخشانی دارد. موریس بوکای، دانشمند فرانسوی، به دو امتیاز اساسی در این رابطه اشاره می کند:

1 - غنای فراوان قرآن در حوزه مسائل علمی؛ در حالی که عهد قدیم (تورات) و عهد جدید (انجیل) نسبت به



بسیاری از آنها ساکت و فاقد اطلاعات و داده های مشخصی هستند.

2- استواری و توافق داده های قرآن با دستاوردهای متقن و معتبر علوم روز؛ در حالی که عهد عتیق و اناجیل به تعارضات آشفتی ناپذیری در این زمینه مبتلا هستند. بوکای می نویسد: «من بدون سبق ذهن و با عینیت کامل، ابتدا به قرآن توجه کردم و خواستم درجه سازگاری این متن را با معلومات علمی امروز بسنجم... در پایان کار بر من مسلم شد که قرآن، به ایجاب و اثبات هیچ مطلبی نمی پردازد که در این دوره معاصر بتوان آن را از نظر گاه علمی محل انتقاد و تردید قرار داد.

براساس همین روش عینی، عهد عتیق و اناجیل را نیز مطالعه کردم. در مورد عهد عتیق به هیچ وجه نیازی نبود که یا را از کتاب نخست آن؛ یعنی، سفر تکوین (پیدایش) فراتر بگذارم، تا به تأکیدی آشفتی ناپذیر، با معلومات متقن علمی این روزگار برخورد کنم!

در همان صفحه اول انجیل نیز، شجره و نسب عیسی(ع) ما را دچار اشکال می کند؛ زیرا در این باب متن انجیل متی با متن انجیل لوقا آشکارا در تناقض است. درباره تاریخ ظهور بشر بر روی زمین نیز مطالب انجیل لوقا یا معارف امروزی کاملاً ناسازگار است».

البته اسلام در این باره، امتیاز اساسی دیگری نیز بر مسیحیت دارد و آن نوع نگاه اسلام به علم و دانش است. اسلام دینی است که به گسست ناپذیری علم، عقل، ایمان، معرفت و رستگاری فتوا می دهد. اما به اعتقاد رسمی مسیحیت شجره ممنوعه - که آدم و حوا به جرم خوردن آن از بهشت رانده شدند و به تبع آن همه انسان ها مورد خشم الهی قرار گرفته و گنهگار شدند - چیزی جز شجره معرفت و دانش نیک و بد نبوده است: «پس گرفته خداوند پروردگار آدم را در بهشت عدن قرار داد تا او را رستگار و مورد عنایت خود سازد و آدم را امر نموده، چنین گفت: آنچه از درختان خواهی بخور؛ اما مبادا که از درخت معرفت نیک و بد بخوری که هر گاه از آن بخوری خواهی مرد».

در باب سوم می گوید: خداوند پس از تخلف آدم چنین گفت: «اکنون انسان مانند یکی از ما شده که نیک و بد را تمیز می دهد و اکنون است که دست دراز کند و از درخت حیات نیز بخورد و تا ابد زنده بماند؛ پس او را از بهشت عدن بیرون کرد...».

بر اساس این آموزه، جست و جوی دانش و معرفت در تعارض با رستگاری و خلود انسان در بهشت است. به عبارت دیگر، چنین وانمود می کند که یا باید رستگاری در بهشت را برگزید و یا در جست و جوی دانش و معرفت برآمد. پس آنکه بهشت و رستگاری می خواهد، باید از پیمودن طریق دانش و معرفت فاصله گیرد و آنکه دانش و معرفت می جوید، باید بهای سنگین خروج از بهشت و سعادت جاودان را بپردازد! استاد مطهری در این باره می نویسد: «بر اساس این برداشت همه وسوسه ها، وسوسه آگهی است؛ پس شیطان وسوسه گر همان عقل است» .

... ادامه دارد

پی نوشت ها:

- جهت آگاهی بیشتر ر.ک: الف. سید محمدحسین طباطبایی و مرتضی مطهری، اصول فلسفه و روش رئالیسم، ج 5، (قم: صدرا، چاپ چهارم، 1374)؛ ب. مرتضی مطهری، توحید، (قم: صدرا، چاپ سوم، 1374).

- جهت آگاهی بیشتر بنگرید: حمیدرضا شاکرین، دین شناسی، (قم: معارف).

- Ernest Renan .

- رابرت م. گرنت، دیوید تریسی، تاریخچه مکاتب تفسیری و هرمنوتیکی کتاب مقدس، ترجمه و نقد و تطبیق: ابوالفضل ساجدی، ص 298، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، 1385.  
- ر.ک: انجیل یوحنا، 1:112؛ سفر تکوین، 30:3819. برای آشنایی بیشتر ر.ک: الف. انیس الاعلام، ج 3؛ ب. محمد، صادقی، بشارات عهدین، ص 73 و 177؛ این در حالی است که براهین عقلی لزوم عصمت پیامبران را اثبات می کند.

- سفر پیدایش (38 - 19:30).

- کتاب دوم سموئیل (31 - 11:3).

- سفر پیدایش، 2330:43.

- متی (4:8).

- تاریخچه مکاتب تفسیری و هرمنوتیکی کتاب مقدس، ص 297.

- انجیل متی، 5:38 و اکثر نامه های پولس به رومیان.

- در جلد دوم کتاب «انیس الاعلام»، 125 مورد تناقض موجود در کتاب مقدس، مورد بررسی قرار گرفته است. نیز نگا: الف. حقیقت مسیحیت، صص 133 - 127 (قم: مؤسسه در راه حق، چاپ اول 1361)؛ ب. مصطفی زمانی، به سوی اسلام یا آیین کلیسا (قم: پیام اسلام، 1346).

- توماس میشل، کلام مسیحی، ترجمه حسین توفیقی، ص 27، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، چاپ اول، 1377.

- زمر (39)، 17 و 18.

- بقره (2)، 256.

- جهت آگاهی بیشتر نگا: الف. محمد تقی، فعالی، ایمان دینی در اسلام و مسیحیت، (تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، چاپ اول 1378)؛ ب. حمیدرضا، شاکرین، پرسمان سکولاریسم، (مشکلات کلامی مسیحیت)، (تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، 1384).

- M.(G) Legenhausen .

- محمد، لگنهاوزن، «با پرسش زنده ام»، پرسمان (ماهنامه)، پیش شماره اول، خرداد 80، ص 5.

- همان، ص 6.

- مارگریت، مارکوس، نقش اسلام در برابر غرب، ترجمه غلامرضا سعیدی، ص 9 (تهران: شرکت سهامی انتشار، 1348).

- الشیخ المفید: الامالی، ص 292.

- بصائر الدرجات، باب فضل العالم علی العابد، ص 6.

- به عنوان نمونه ر.ک: اصول کافی، ج 1، کتاب فضل العلم.

- «فیشر عباد الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه»، (زمر / 18).

- Mourice Bucallie .



- موريس، بوكای، عهدین، قرآن و علم، ترجمه حسن حبيبي، بی تا، ص 12، (تهران: حسينيه ارشاد).  
- همان، صص 12، 13.

- جهت آگاهی بیشتر نگاه: اصول کافی، ج 1، کتاب «نفس العلم» و کتاب «العقل و الجهل».

- تورات، سفر پیدایش فصل 2 آیه 15، 17.

- تورات، سفر پیدایش فصل 3 آیه 22.

- مرتضی، مطهری، مجموعه آثار، ج 2، ص 30، (قم: صدرا، چاپ هفتم، 1377).

چرا اسلام؟ (2)

معارف

3. کتاب معصوم الهی

یکی از مهم ترین امتیازات اسلام بر دیگر ادیان، «کتاب آسمانی» آن است. قرآن مجید، از چند جهت بر کتاب های دیگر ادیان امتیاز دارد. برخی از این جهات عبارت است از:

3.1. کلام الهی؛ قرآن مجید کتابی است که تماماً از سوی خداوند، بر پیامبر(ص) نازل شده و تمام الفاظ و کلمات به کار رفته در آن، عیناً کلام الهی است. به دیگر سخن، اسلام تنها دینی است که مستقیماً کلام خدا را در دسترس بشر قرار می دهد و انسان را با سخن او آشنا می سازد؛ در حالی که دیگر ادیان، از چنین امر مهمی تهی بوده و حتی ادعای آن را ندارند.

دکتر موريس بوكای می نویسد: «فرق اساسی دیگر میان مسیحیت و اسلام - در مورد کتاب های مقدس - این است که مسیحیت متنی ندارد که از طریق وحی نازل شده و تثبیت گردیده باشد؛ اما اسلام قرآن را دارد که با ضابطه بالا می خواند.

قرآن بیان و گزاره وحیانی است که از طریق جبرئیل به محمد(ص) رسیده است. بر خلاف اسلام، اصول مذهبی مبتنی بر وحی در مسیحیت، بر پایه گواهی های متعدد و غیر مستقیم افراد انسانی استوار است و بر خلاف تصور بسیاری از مسیحیان، هیچ گونه قولی در دست نیست که واسطه نقل آن، یک شاهد عینی زندگانی عیسی(ع) باشد».

توماس میشل - استاد الهیات و کشیش مسیحی - می نویسد: بر خلاف قرآن، کتاب مقدس مجموعه ای بین 66 تا 73 کتاب است که در طول 1500 سال تألیف شده و شمار بزرگی از مؤلفان - که تاریخ نام بسیاری از آنها را فراموش کرده - برای تهیه آن به عملیات پیچیده ای پرداخته اند.

او همچنین می گوید: «اصولاً مسیحیان نمی گویند خدا کتاب های مقدس را بر مؤلفان بشری املا کرده است؛ بلکه معتقدند او به ایشان برای بیان پیام الهی به شیوه خاص خودشان و همراه با نگارش مخصوص و سبک نویسندگی ویژه هر یک، توفیق داده است».

میشل اشاره می کند که نویسندگان کتاب های مقدس، معصوم نبوده و دچار محدودیت های علمی و تنگنای زبانی بوده و به رنگ زمان خود در آمده بودند و لاجرم خطاهایی نیز در کتاب مقدس به یادگار نهاده اند: «گاهی این نویسنده بشری، نظریات غلط یا اطلاعات اشتباه آمیزی دارد که اثر آن در متن کتاب باقی می ماند».

رابرت ا. هیوم نیز می نویسد: «اسلام، از این جهت که متن مقدس آن صریحاً وحی خداوندی به یک فرد خاص - بنیانگذار این دین - است، در میان همه ادیان جهان منحصر به فرد است. در قرآن سخنگوی اصلی خداست...».

3.2. تحریف ناپذیری؛ قرآن کتابی است تحریف ناپذیر که همواره اصالت و عصمت خود را در طی قرون حفظ و دست بشر را از دستبرد تحریف کوتاه کرده است؛ در حالی که هیچ یک از ادیان موجود، از این ویژگی برخوردار نیست. «عصمت» امری افزون بر اصل الهی بودن پیام قرآن است و برای آن می توان مراحل زیر را ذکر کرد:

3.2.1. عصمت از ناحیه نازل کننده (خداوند)؛

3.2.2. عصمت از ناحیه حاملان وحی و فرشتگان رساننده به پیامبر(ص)؛

3.2.3. عصمت در دریافت وحی از سوی پیامبر(ص)؛

3.2.4. عصمت در ابلاغ وحی به مردم از سوی پیامبر(ص)؛

3.2.5. عصمت در بقا و استمرار تاریخی وحی در میان بشر تا پایان تاریخ.

به اعتقاد مسلمانان، کتاب های آسمانی نازل شده بر پیامبران پیشین نیز از نظر عصمت در چهار مرحله نخست با قرآن مجید همتا و همپ هستند؛ لیکن مرحله پنجم عصمت (تحریف ناپذیری ابدی در میان مردم) از اختصاصات قرآن است.

3.3. معجزه جاوید و سند رسالت؛ پیامبران برای اثبات رسالت خود، معجزه آورده اند؛ لیکن کتاب آسمانی آنها، غیر از معجزه و سند رسالتشان بوده است. اما قرآن خود معجزه است؛ یعنی هم کتاب رسالت است و هم برهان صدق آن. از طرف دیگر این کتاب معجزه ای جاودان و باقی و سندی زنده بر رسالت است که قرن ها و عصرها را در می نوردد و همگان را به تحذی می طلبد. در حالی که معجزات پیامبران پیشین، فقط نزد حاضرین مشهود بوده و اثری از آن باقی نیست و جوامع بشری از مشاهده آن محرومند.

افزون بر آن کتاب آسمانی اسلام، امتیازات بی شماری از جهت محتوایی دارد که بررسی آنها مجال فراخ تر می طلبد.

4. جامع بودن

از دیگر ویژگی های اسلام در برابر دیگر ادیان، جامع بودن آن است. اسلام برنامه تکاملی بشر تا پایان تاریخ را به ارمغان آورده است. جان دیون پورت می نویسد: «... قرآن مطابق تحقیقات کومب با انجیل فرق دارد؛ زیرا انجیل دارای مکتب و روش فقهانی نیست؛ بلکه به طور کلی محتویات آن مرکب است از قصص و روایات و بیانات تحریض و ترغیب بشر در نشر عواطف و احساسات عالی و فداکاری و... ولی هیچ نوع عامل و رابطه منطقی جالب و جذبی که این معانی را با یکدیگر ربط دهد، در انجیل وجود ندارد. از این گذشته قرآن مانند انجیل نیست که فقط به عنوان میزان و شاخصی درباره عقاید دینی و عبادت و عمل درباره آن شناخته شده است؛ بلکه دارای مکتب و روش سیاسی نیز هست؛ زیرا تخت و تاج یا به تعبیر دیگر اساس دستگاه و سازمان سیاسی، روی این شالوده ریخته شده و هر نوع قانونی برای اداره امور کشور، از این منبع گرفته می شود. و بالاخره کلیه مسائل حیاتی و مالی با اجازه همین منبع و مصدر قانون گذاری، حل می شود».

از جمله امتیازات انحصاری اسلام بر دیگر ادیان، نظام حقوقی اصیل آن است. این مسئله بسیاری از اندیشمندان غرب را به تحسین و اعجاب و داشته است. اگر چه این مسئله در ذیل نظام رفتاری و بحث از «جامعیت اسلام» قابل بررسی است، لیکن به جهت اهمیت ویژه ای که دارد به طور مستقل مورد بررسی قرار می گیرد. اولین نکته قابل توجه، نقش بی بدیل اسلام در بنیان گذاری و توسعه حقوق بین الملل است. مارسل بوازار پژوهشگر انستیتوی تحقیقات عالی حقوق بین الملل در ژنو، می نویسد: «در قرون وسطی هر وقت رکودی در قوانین مسیحیت روی می داد صاحب نظران از حقوق اسلامی استفاده می کردند. در قرن سیزده میلادی در چند دانشگاه اروپا، میانی فقه اسلامی مورد پژوهش قرار گرفت. اگر فلسفه تأسیس دانش حقوق بین الملل را دگرگونی در روابط ملت ها و جلوگیری از تجاوز زورمندان و توانگران و برابری و برادری انسان ها بدانیم؛ باید اذعان کنیم که پیغمبر اسلام صلی الله علیه وآله بنیانگذار حقوق بین الملل بوده است».

اصول حقوق بشر در اسلام

حقوق بشر و یا حقوق بین الملل اسلامی دارای اصولی چند است؛ از جمله:

1. اصل حرمت و کرامت انسان؛
2. اصل عدالت، برابری و نفی تبعیض؛
3. اصل صلح و همزیستی مسالمت آمیز؛
4. اصل وفای به عهد؛
5. اصل تفاهم و رواداری؛
6. اصل مشارکت و همکاری های بین المللی؛
7. اصل حمایت از ملل تحت ستم و ...

اصول یاد شده در نگاه اندیشمندان غربی، مورد توجه قرار گرفته است. مارسل بوازار در مورد اصول همزیستی مسالمت آمیز و تفاهم می نویسد: «در مورد پیروان ادیان الهی باید گفت اصولاً اسلام، آنها را مورد حمایت خود قرار داده و امنیت کاملی در جامعه اسلامی دارند. آنان می توانند طبق دستورات دینی خود آزادانه عمل کنند، به خصوص که در قرآن نیز رعایت حقوق آنان توصیه شده است. این تساهل دینی در مسیحیت و یهود، مطلقاً وجود نداشته و به ویژه پیروان دین یهود، ناگزیر از انجام فریضه های بسیار سخت و توان فرسا بوده اند».

وی می نویسد: «در دیانت یهود، برتری نژادی وجود دارد و در برادری مسیحیت، رابطه الهی بر جنبه های عملی آن در زندگی اجتماعی غلبه یافته و در شرایط امروز قابل اجرا نیست. اما در دیانت اسلام این افراط و تفریط به چشم نمی خورد... این تفکر که از قرآن نشأت می یابد، به دیانت اسلام سودای جهانشمولی می بخشد. اسلام به دنبال ساختن جهانی است که همه مردم - حتی آنان که به دین سابق خویش وفادار مانده اند - با تفاهم، همکاری، برادری و برابری کامل زندگی کنند».

6. خاتمیت

اسلام دین خاتم است و این خاتمیت، ارکان و لوازمی دارد؛ از جمله:

- 6.1. نسخ شرایع پیشین؛ هر پیامبری که شریعتی به ارمغان آورد، شریعت پیشین را نسخ کرد و اسلام - به عنوان آخرین شریعت و برنامه کامل سعادت بشر از سوی خداوند - ناسخ همه شریعت های پیشین است.
- 6.2. نسخ ناپذیری؛ دین و شریعت اسلامی به لحاظ خاتم بودنش، از پایایی و ماندگاری برخوردار است. این دین هرگز نسخ نخواهد شد و شریعت دیگری جایگزین آن نمی شود.
- 6.3. همگانی بودن؛ لازمه ناسخ بودن و پویایی اسلام، آن است که این دین، بدیل ناپذیر، همگانی و یگانه پرچمدار دعوت به سوی توحید و وحدت بخش همه آدمیان تحت لوای توحید و یگانه شریعت و قانون سعادت آفرین خداوند باشد. ویژگی های دیگری نیز در باب جاذبه های اسلام و امتیازات معارف آن وجود دارد که به جهت اختصار از ذکر آنها خودداری می شود.

7. نفی نیست انگاری

یکی از امتیازات اساسی اسلام، در برابر برخی از دیگر ادیان به ویژه مسیحیت، پیراستگی آن از درون مایه های نیست انگارانه و نفی زمینه گرایش به نیهیلیسم (نیست انگاری) است. به تعبیر پروفیسور فلاطوری، در اسلام عنصری یافت نمی شود که بهانه به دست نیست انگاری چون نیچه دهد تا در این حوزه فرهنگی، حکم به نیست انگاری کند. توضیح اینکه نیچه؛ نیهیلیسم را مفهومی دو پهلو می داند که یکی از وجوه آن نیست انگاری به معنای قدرت روح و به تعبیر وی «نیهیلیسم فعال» است و دیگری نیست انگاری به معنای سقوط و زوال قدرت روح (نیهیلیسم منفعل). نیست انگاری منفعل، از تباه شدن قوه خلاقه و از بی هدفی و آنچه معنای حیات و ارزش های واقعی را تشکیل می دهد، ناشی می شود.

نیهیلیسم فعال، بر ملا کننده بیهودگی مطلق و به تعبیر دیگر افشاگر نیهیلیسم منفعل است. نیست انگاری منفعل، به گذشته فرهنگ مغرب زمین تعلق دارد و بنیاد آن از نظر نیچه، تصور متافیزیکی افلاطونی و باور دینی مسیحیت است. عمده ترین عنصر مسیحی - افلاطونی مورد توجه وی، نگاه منفی به جهانی است که ما در آن زندگی می کنیم. باور افلاطونی و ایمان مسیحی، این جهان را که ما در آن زندگی می کنیم، جهانی خیالی و ساختگی، غیر واقعی و دروغین و بد و زشت می پندارد. او مسیحیت را مذهبی نیست انگارانه می خواند و می گوید: آری، نیست انگاری و مسیحیت هم قافیه اند و نه تنها هم قافیه که برآزنده هم هستند.

در مقابل، دو عنصر اساسی در تعالیم اسلامی وجود دارد که راه را بر بسیاری از انتقادات وارد بر مسیحیت و یهودیت - از جمله این نگرش نیچه - می بندد. آن دو عنصر عبارت است از: 1. یکتا پرستی مطلق که مضمون و محتوای اصلی ایمان دینی اسلام را تشکیل می دهد. 2. نگرش مثبت به جهان به عنوان اصل و مبنای حیات.

در این نگرش، پیامبر، دارای ذات و قلمروی الهی - به معنای قلمروی حقیقی و واقعی که در برابر جهان غیر واقعی و در مقابل جهان ظاهر قرار گرفته است - نمی باشد. در دین اسلام بین جهان بود و نمود، انفعال نیست و جهان نمود، به اندازه جهان بود، واقعی است. بنابراین تعالیم اسلام بهانه به دست کسی نمی دهد تا بر آن انگ نیست انگاری زند و همین مسئله باعث می شود که نیچه نیز در ضمن نفی مسیحیت - به عنوان مذهبی نیست انگارانه که حیات را نابود می سازد و علم و فرهنگ را به تباهی می کشاند - از اسلام تعریف و تمجید کند.



او می نویسد: «مسیحیت، ما را از ثمرات تمدن عهد باستان و بعدها از دستاوردهای تمدن اسلامی محروم کرد. فرهنگ و تمدن اسلامی در دوران حکمرانان مسلمان اندلس - که در اساس با ما خویشاوندتر از یونان و روم بوده و در معنا و مفهوم و ذوق و سلیقه گویاتر از آنها است - لگدمال شد؛ چرا این تمدن لگدمال شد؟ برای آنکه اصالت داشت... برای آنکه به زندگی آری می گفت...» .

8. عدم حاجت به عصری کردن دین

نبود نص الهی در ادیان دیگر و تعارض آموزه های کتب مقدس با ره آوردهای علمی و حاجات عصری، اندیشمندان و متألهان غرب را بر آن داشت که به عصری کردن دین، روی آورند؛ زیرا نه چشم پوشی از دستاوردهای نوین علمی و نیازهای عصری امکان پذیر می نمود و نه با تعارض می توان زیست و نه متون مقدس از چنان اعتبار و وثاقت و درونمایه ای برخوردار بود که بر علم پیشی گیرد. از این رو یا باید با دین معارض عقل و علم، خداحافظی کرد و یا برای جمع بین دینداری و زیستن در زمان حال، دین را به رنگ زمانه درآورد و این گزینه مقبول اندیشمندان غربی شد.

منظور از عصری کردن دین، جایگزین ساختن دین یا کتاب های آسمانی جدید و تغییر بیابایی آنها، همگام با تحولات عصری نیست؛ بلکه تغییر فهم و ارانه قرائت های گوناگون از دین به تناسب تحولات فکری، فرهنگی و تاریخی است.

به عبارت دیگر، اگر کتاب مقدس سخن خدا نباشد و نویسندگان آن برداشت خود از پیام الهی را نگاشته باشند، برداشتی که تابع فرهنگ زمان و علوم و دانسته های آن زمان بوده و عاری از خطا و اشتباه نمی باشد - هیچ دلیل منطقی بر تعبد در برابر نص نخواهد ماند و هر کس می تواند دین را مطابق پسند و فرهنگ حاکم بر زمان خود - بدون داوری و سنجش کتاب مقدس - فهم و تفسیر کند؛ زیرا آنچه در کتاب مقدس است، کلام مستقیم الهی نیست؛ بلکه فهمی از آن است، بدون آنکه نویسنده آن و فهم او از پیام خدا، برتر از فهم انسان امروزی باشد.

چنین چیزی در نهایت به آثارشیزم معرفتی خواهد انجامید و راه هرگونه ارزش داوری در باب بسیاری از برداشت های گوناگون را مسدود خواهد ساخت؛ زیرا در اینجا نه می توان «نص محور» بود و نه «مؤلف محور»، زیرا نصی الهی وجود ندارد و آنچه هست تفاسیر و تجربه های مؤلفان بشری است، و چون نص الهی در میان نیست، راهی به سوی فهم مراد شارع نیز وجود ندارد. پس تنها یک راه می ماند و آن «مفسر محوری» است. بنابراین، دین امری کاملاً شخصی و عصری می شود؛ زیرا چنین دینی، چیزی جز معرفت دینی و برداشت مفسر نیست و هیچ نص و متن نهایی وجود ندارد که بتوان معرفت دینی را با آن موزون کرد و مورد سنجش قرار داد.

اما در اسلام، مسئله کاملاً برعکس است. در دسترس بودن متن وحی، جامعیت دین، هماهنگی اسلام با علم و عقل، اجتهاد زنده و پویا، هماهنگی دین با فطرت ثابت بشری، وجود قوانین ثابت برای نیازهای ثابت و قوانین متغیر برای نیازهای متغیر و بسیاری از عوامل دیگر، حاجت به عصری شدن و لجام گسیختگی در تفسیر دین را مسدود می سازد. آنچه در اینجا لازم است تنها شناخت نیازهای نو شونده در طول زمان و عرضه آنها بر منابع دینی و گرفتن پاسخ از دین بر اساس متدلوژی فهم دین است. اگر چه در این عرصه نیز گاه برداشت های متفاوتی رخ می نماید؛ اما چند تفاوت اساسی در اینجا وجود دارد؛ از جمله:

1. وجود برداشت های متفاوت، تنها در پاره ای از آموزه های دینی؛ یعنی، برخی از امور ظنی است نه همه آنها و شامل امور یقینی و ضروری نمی شود.

2. نص معتبر و خدشه ناپذیری وجود دارد که ملاک و معیار سنجش است و لاجرم هرگز به آثارشیزم معرفتی نمی انجامد.

افزون بر آنچه گذشت امتیازات دیگری برای اسلام قابل شمارش است؛ از جمله: مورد بشارت انبیای پیشین بودن و اعتبار پذیری ادیان الهی و پیامبران پیشین از اسلام و... که به جهت اختصار از بررسی آنها خودداری می شود.

... پایان

پی نوشت ها:

- نگا: توماس، میشل، کلام مسیحی، ترجمه حسین توفیقی، (قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، چاپ اول 1377)، صص 23 و 24.

- همان، ص 26.

- همان، ص 27.

- همان، ص 27.

- بقره / 176؛ نساء / 122 و....

- شعراء / 193.

- نجم / 3 و 4؛ تکویر / 23، 19، بینه / 2.

- همان.

- فصلت / 42؛ حجر / 9، واقعه / 77.

- این مسئله نشان می دهد که اعتبار کتب آسمانی و ادیان پیشین نزد مسلمانان بسیار بالاتر از آن است که مدعیان پیروی از آن ادیان ادعا می کنند. بهترین گواه این مطلب سخنانی است که از توماس میشل درباره عهدین بیان شد.

- جان، دیون پورت، عذر تقصیر به پیشگاه محمدصلی الله علیه وآله و قرآن، ترجمه غلامرضا سعیدی (قم: دارالتبلیغ اسلامی، بی تا) ص 99.

- مترجم کتاب در پاورقی آورده است: «مردم بی خبری که حتی در همین کشور اسلامی تصور می کنند دین از سیاست جداست، بخوانند و متنبه شوند که دستگاه تبلیغات اسلامی غیر از ادیان منسوخ است و چقدر تأسف آور است که یک نفر محقق خارجی این معنا را کاملاً درک کرده و توضیح دهد؛ ولی کسانی که خود را مسلمان معرفی می کنند به تقلید کورکورانه از خارجیان مغرض، چه یاهو سرایی هایی می کنند» همان، صص 100 - 99.

- Boizard, Marcell A.

- مارسل، بوازارد، اسلام در جهان امروز، ترجمه د.م.ی، (تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1361)، ص 270.

- برای آگاهی بیشتر نگا: الف. عبدالکریم، سلیمی، نقش اسلام در توسعه حقوق بین الملل، (قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، 1382)؛ ب. زین العابدین، قربانی، اسلام و حقوق بشر، (تهران: دفتر نشر



فرهنگ اسلامی، چاپ پنجم 1375؛ ج. مارسل، بوازار، انسان دوستی در اسلام، ترجمه محمد حسین مهدوی، (تهران: توس، 1362).

- همان، ص 107.

- مارسل، بوازار، اسلام و حقوق بشر، ترجمه دکتر محسن مؤیدی، (تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1358)، ص 106.

- این قسمت عمدتاً از مقاله «فرهنگ شرقی - اسلامی و نیست انگاری غربی» نوشته پروفیسور «عبدالجواد فلاطوری» استفاده شده است که توسط آقای خسرو ناقد، از زبان آلمانی به فارسی ترجمه گردیده و در روزنامه شرق (فرهنگی)، شماره 262 - 3 به تاریخ 21 و 22، مرداد 1383، ص 6 چاپ شده است.

نام اصل مقاله عبارت است از:

morenlaendische kultur zu einem dem abendlaen dischen .konnte die islamisch  
?nihilismus aehnelnden nihilismus fuehrer  
(Nihilismus (Nihilism -  
Nietzsche -  
ارجاعات این قسمت به «مجموعه آثار» نیچه به زبان آلمانی از سوی نویسنده مقاله است. همه ارجاعات با ذکر شماره مجلد و شماره صفحه آمده است. نام و مشخصات اصلی مجموعه آثار نیچه عبارت است از:

(Neitzche' werke. Leipzig 1091)  
- همان، ج 15، صص 651 و 851.

- همان، ج 16، صص 563 فصل 47 آیه 7 و نیز: ج 5، ص 572.

- همان، ج 15، ص 852.

- کتابه نیچه به هم قافیه بودن واژه های آلمانی nihilist und christ است.

- این جمله ناظر به تفکیک قلمرو مسیح از حکومت این جهان در آیات انجیل است که نخستین بذر سکولاریسم و جدا انگاری دین از دنیا را در جهان مسیحی افشاندند است. نگا: انجیل متی، باب 22، آیه 21؛ لوقا، باب 20، آیه 25، یوحنا، باب 19، آیه 36.

- همان، ج 8، ص 703.

- Epistemic Anarchism -  
- Evaluation -  
- Text Oriented -  
- Author Oriented -  
- Interpreter Orientation -  
- Interpreter Orientation -

- جهت آگاهی بیشتر در این زمینه به منابع زیر رجوع کنید: الف. میرمصطفی، تامر، بشارت های کتب مقدس، ترجمه بزرگ کیا، (قم: دلیل، چاپ اول 1379)؛ ب. جعفر، سبحانی، احمد موعود انجیل؛ نیز: منشور جاوید، ج 6 (تفسیر موضوعی)، (قم: توحید، چاپ اول، 1375)، صص 22 - 13؛ پ. انجیل برنابا، ترجمه حیدر قلیخان قزلباش (سردار کابلی)، (بی جا، بی جا، دفتر نشر کتاب، 1362)؛

ت. داود، عبدالاحد، محمد فی کتاب المقدس، (قطر: دارالضیاء، للنشر و الترویج، 1985م)؛ ث. محمد صادق، فخر الاسلام، انیس الاعلام فی نصره الاسلام، (تهران: مرتضوی، 1351)؛ ج. مورس، بوکای، عهدین، قرآن و علم، ترجمه حسن حبیبی: (تهران: حسینیه ارشاد، بی جا، بی تا)، صص 151 - 145؛ د. عبدالرحیم، سلیمانی اردستانی، درآمدی بر الهیات تطبیقی اسلام و مسیحیت، (قم: طه، 1382، چاپ اول).

**منبع : سایت معارف اسلامی**

نوع مطلب :

برچسب ها : اسلام، اسلام شناسی، اصول اسلام، اصول دین اسلام، اصول دین ما، اصول دین ما اسلام، لینک های مرتبط :

نظرات (0)

نام :

ایمیل :

آدرس وب/وبلاگ :

مرا بخاطر بسیار :

متن نظر :

ارسال نظر خصوصی :

نظرات پس از تایید نشان داده خواهند شد.

عبارت تصویر :

ارسال